



اهمیت زبان‌های باستانی در مطالعات زبان و ادبیات فارسی در گفت‌وگو با دکتر زاله آموزگار

زبان‌های کهن، پدر و مادر زبان‌های امروز ما هستند

به نظر شما ضرورت و اهمیت یادگیری زبان‌های باستانی در مطالعات زبان فارسی چیست و این یادگیری، امروز چه کمکی به فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی می‌کند؟ این پرسش شما مثل این است که به کسی بگویید تو هستی ولی به من چه که پدر و مادرت چه کسانی بودند! زبان‌های باستانی مثل پدر و مادر زبان‌های امروز ما هستند. من نمی‌گویم همه افرادی که فارسی می‌خوانند باید زبان اوستایی و پهلوی را هم یاد بگیرند یا حالت‌های هشتگانه صرفی اوستا را بیاموزند. این توقع بی‌جایی است. افراد می‌توانند در حد مطالعات عادی زبان فارسی را یاد بگیرند ولی کسانی که از تخصص دم می‌زنند نمی‌توانند بدون دانستن ریشه‌ها، در یک زبان متخصص باشند. به نظر من مطالعات زبان‌های باستانی ایران از جمله زبان

پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «ادبیات زردشتی» با درجه عالی، دانشنامه‌دکتری خود را دریافت کرد. او پس از بازگشت به کشور در بنیاد فرهنگ ایران فعالیت‌های علمی خود را ادامه داد و در همین مجموعه بود که تحقیقات علمی او در حوزه زبان پهلوی به جامعه علمی ایران ارائه شد. او بخش عمده‌ای از سال‌های عمر پربرکت خود را در دانشگاه تهران صرف تربیت و پرورش دانشجویان زبان و ادبیات فارسی و البته زبان باستانی ایران کرده است و در طول بیش از ۴ دهه تدریس و تحقیق، آثار متعددی از او منتشر و در اختیار محققین و علاقه‌مندان به مباحث زبان‌شناسی و ایران‌شناسی قرار گرفته است. در گفت‌وگو با این استاد ممتاز دانشگاه تهران، اهمیت زبان‌های باستانی در مطالعات زبان و ادبیات فارسی را مورد بررسی قرار داده ایم که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید.

صدرا صدوقی

در عرصه پژوهش‌های فرهنگ و زبان‌های باستانی، کمتر کسی را می‌توان دید که با نام و آثار دکتر زاله آموزگار، استاد باسابقه و ممتاز دانشگاه تهران آشنا نباشد. این بانوی دانشمند و پرکار، در خانواده‌ای فرهنگی در شهرستان خوی متولد شد و تحصیلات خود را تا مقطع دبیرستان در همان شهر به پایان رساند. سپس برای ادامه تحصیلات دانشگاهی به تبریز آمد و در سال ۱۳۳۸ شمسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز با رتبه ممتاز فارغ‌التحصیل شد. او در فاصله سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۴۲ شمسی در مدارس تهران، نیشابور و کاشمر به تدریس پرداخت و سپس با استفاده از بورس تحصیلی راهی فرانسه شد و نزد «پروفیسور پی‌یر دومناش» به مطالعه و تحقیق پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۴۶ شمسی با نگارش

پهلوی، در مطالعات زبان فارسی بسیار بسیار ضروری است.

عده‌ای می‌گویند زبان‌های باستانی ما، زبان‌هایی مردانه...

کسی نمی‌گوید به زبان اوستایی صحبت کنید یا به زبان پهلوی حرف بزنید. اگر نوشته‌های من را خوانده باشید متوجه می‌شوید که من جزء طرفداران فارسی سره نیستم. زبان مثل یک موجود زنده است و رشد می‌کند و از محیط اطراف تاثیر می‌پذیرد. و بعد به زبانی تبدیل می‌شود که در دهان ما است. ما نمی‌توانیم به زور چیزهایی را بر این زبان بار کنیم. ولی می‌توانیم از ریشه‌های قدیمی‌تر آن به‌طور معقول و مطابق قانون استفاده کنیم آن هم برای مقابله با اصطلاحات بیگانه‌ای که با علوم جدید وارد زبان ما می‌شوند.

کسی که می‌خواهد متخصص زبان فرانسه باشد، باید ریشه‌های لاتین را یاد بگیرد ولی کسی توقع ندارد، آن فرد به زبان لاتین حرف بزند. من فکر نمی‌کنم فرد عاقلی در این مسیر چنین ادعایی داشته باشد؛ در حقیقت شناخت زبان‌های قدیمی ما به شناخت بهتر زبان فارسی امروز ما کمک می‌کند.

با توجه به اینکه سرکار عالی، سابقه بیش از چهار دهه تدریس و پژوهش در حوزه زبان‌های باستانی را دارید؛ به‌عنوان یک استاد با سابقه دانشگاه، ضرورت آموزش‌هایی در حوزه زبان‌های باستانی را در دوره‌های قبل از دانشگاه احساس کرده‌اید؟

من فکر می‌کنم در دهه‌های اخیر گسستگی در کتاب‌های درسی ما با تاریخ ایران پیدا شده است. من فکر نمی‌کنم که باید به یک دانش‌آموز متوسطه زبان پهلوی یا اوستایی را یاد بدهیم، ولی توقع این است که آنها بدانند زبان‌های ما از کجا آمده‌اند و این مثل تاریخ ما و همه چیز ماست که دچار

گسستگی با گذشته تاریخی شده است، ولی باید به جای این گسستگی؛ پیوستگی باشد و به دانش‌آموزان بگویند زبانی که شما دارید اینچنین است و احیانا اگر لازم باشد و کسانی مشتاق باشند، کلاس‌هایی اختیاری و ابتدایی برای آموختن این زبان‌ها وجود داشته باشد. البته من درست نمی‌دانم که این کلاس‌ها جزء درس دانش‌آموزان باشد. بنابراین به نظر من آنچه که بیشتر ضرورت دارد این است که دانش‌آموزان ما با گذشته زبانی و تاریخی خود بدون تعصب آشنا شوند.

آشنایی و پژوهش در حوزه زبان‌های باستانی چقدر می‌تواند به حوزه ایران‌شناسی کمک کند؟

وقتی از ایران‌شناسی حرف می‌زنید یعنی شناخت و توجه به انواع چیزهایی که در این زبان و فرهنگ وجود دارند؛ لذا زبان، معماری، ادبیات و حتی کوه و دشت و همه این‌ها جزئی از فعالیت در زمینه ایران‌شناسی هستند ولی چون زبان بسیار مهم است، قسمت عمده این امر در محدوده زبان قرار می‌گیرد و از این منظر، یک ایران‌شناس نمی‌تواند با زبان‌های ایران و ریشه‌های آن بیگانه باشد.

امروزه مطالعات میان رشته‌ای در فعالیت‌های علمی، سهم مهمی دارند؛ وقتی هم که از آموزش و پژوهش در زبان‌های باستانی در دانشگاه سخن به میان می‌آید ذهن ما به سمت دانشجویانی می‌رود که الزاما در این رشته‌ها تحصیل می‌کنند. به نظر شما در راستای تحقیقات میان رشته‌ای، تا چه سطحی در دانشگاه‌ها و نهادهای پژوهشی و علمی ما به خواندن این متون قدیمه اهتمام می‌کنند و اینکه بتوانند در رشته‌های گوناگون از دانش‌های گذشته بهره بگیرند؟

لیسانس من ادبیات فارسی است و

از اینکه بعد از لیسانس زبان و ادبیات فارسی، رشته زبان‌های باستانی را انتخاب کردم بسیار خوشحالم؛ یعنی مطالعات ادبیات فارسی برای پیشبرد مطالعاتم در این رشته کمک بسیار بزرگی به من کرد. وقتی ما دانشجوی بودیم، در دوره تحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی که من افتخار می‌کنم در تبریز و زیر نظر استادان برجسته آن دوران لیسانس گرفته‌ام؛ مرحوم دکتر نوبی معلم زبان پهلوی ما بود. ما چهار واحد زبان پهلوی و دو واحد زبان اوستایی و دو واحد فارسی باستان را در دوران لیسانس گذرانده بودیم و این‌ها جزء درس‌های قطعی رشته ادبیات فارسی بود. آن زمان این رشته فقط در تهران و تبریز به این صورت وجود داشت و بعدها گسترش پیدا کرد. در سال‌های بعد، این درس را برداشتند و من با مذاکراتی که با گروه‌های زبان و ادبیات فارسی داشتیم تلاش‌های زیادی کردم و در ریزنی با این گروه‌ها، تاکید کردم که دانشجویان شما زبان و ادبیات فارسی می‌خوانند؛ آنها به آشنایی با زبان‌های باستانی نیاز دارند چون کاملا با این زبان‌ها بیگانه بودند. خوشبختانه چند نفر از استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران تلاش کردند و این درس لاقبل به صورت مختصر وارد سیستم آموزشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شد. با آنچه که بیان کردم معلوم می‌شود که برای دانشجویان زبان و ادبیات فارسی، آشنایی با متون و زبان‌های باستانی ایران بسیار لازم و ضروری است و البته برای بقیه رشته‌ها هم همین‌طور؛ هیچوقت فراموش نمی‌کنم، من روزی به مناسبتی بر سر میزی با آقای مهندس نشسته بودم، ایشان فارغ‌التحصیل دانشگاه شریف و بسیار باسواد بود و وقتی متوجه رشته تخصصی من زبان‌های باستانی است، کاملا از این پیشینه زبانی بی‌اطلاع بود که قبل از زبان فارسی، زبان‌های باستانی به‌خصوص زبان پهلوی وجود داشته است. یعنی این

مطالعات تا این حد از دروس عمومی خارج شده‌اند، درحالی که من مطابق با آنچه که در آن دوران دیده‌ام و بر طبق تجربیاتی که از خارج از کشور دارم، آنجا یک مهندس هم موظف به شناخت مختصری از تاریخ و گذشته کشور خود است. لذا برای دانشجویان و محققین زبان و ادبیات فارسی باید تخصصی‌تر رفتار کرد و در سایر رشته‌ها، لاقلاً در هنگام تدریس دروس عمومی ادبیات فارسی، شایسته است که استادان ما، دانشجویان را تا حدی با این مفاهیم آشنا کنند و فقط بر متون فارسی دری تمرکز نکنند؛ البته که ما مفتخر به ادبیات فارسی مان هستیم و در این نکته هیچ شکی نیست، ولی باید کمی از گذشته این زبان هم به اطلاع دانشجویان برسد.

بسیاری از کتیبه‌ها، آثار و کتب به جا مانده از دوران باستانی ما امروز ترجمه شده‌اند؛ با این حال به نظر شما بهتر نیست به دانشجویانی که در حوزه زبان‌های باستانی تحصیل و تحقیق می‌کنند آموزش‌هایی داده شود تا توانایی مراجعه به متون اصلی را هم داشته باشند؟

برای دانشجوی زبان و ادبیات فارسی در دوره لیسانس مشکل است، اما در دوره فوق لیسانس و دکتری در دانشگاه تهران با اصرار و پیگیری‌های بنده و برخی از استادان، این متون خوانده می‌شوند. البته دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی به حماسی و چیزهای دیگر تقسیم کرده بودند؛ ولی بعدها در دانشگاه تهران این تقسیم بندی برداشته شد اما در دانشگاه شیراز و مشهد هنوز همین‌طور است. به هر حال نمی‌توانیم توقع داشته باشیم، دانشجوی دوره لیسانس این متون اصلی را بخواند، البته می‌تواند در این زمینه مطالعاتی داشته باشد و اگر مایل بود بیشتر بداند، موقعیت توسط ما فراهم می‌شود تا بیشتر در این زمینه فعالیت خود را ادامه دهد.

ارزیابی شما از ترجمه‌های موجود از متون باستانی چیست و اینکه این تراجم تا چه سطحی انتقال‌دهنده صحیح متن اصلی‌اند؟

باید موردی حرف زد؛ شاید من با بعضی‌ها موافق نباشم ولی خیلی از کارها هم مطلوب‌اند. به هر حال کارهای مختلفی وجود دارد؛ ارزیابی‌ها باید به صورت تک تک صورت بگیرد؛ ترجمه‌های روان و قابل خواندن هم وجود دارند که ضمن وفاداری به اصل متن، برای خواننده فعلی ثقیل نیستند. ولی بعضی، کمتر چنین مشخصاتی دارند.

فرهنگ‌های لغت زبان‌های باستانی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

به هر حال عده‌ای هم در این زمینه کار می‌کنند؛ البته در ایران کمتر، با این حال کار و فعالیت در زمینه فرهنگ ریشه‌های لغات شروع شد و مرحوم دکتر ابوالقاسمی کتاب کوچکی در مورد ریشه‌های فعل فارسی دارند و امروز در فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی هم برای ارائه واژه‌نامه تلاش می‌شود و جلدیک و دو آن تنظیم شده است و امیدواریم جلد سه هم منتشر شود. مرحوم «معین» هم تلاش خود را انجام داده است؛ مرحوم دهخدا کاری انجام داده است که ما هنوز هم به آن رجوع می‌کنیم ولی به یک واژه‌نامه ریشه‌شناسی بهتر نیاز است. آقای به نام «چونگ» هم در سال ۲۰۰۷ میلادی کتابی را در این زمینه منتشر کرده است که اثری کاربردی است، البته اشکالاتی دارد و دوستان ما در رجوع به کتاب اشکالات زیادی بر آن وارد کردند و من پیشنهاد کردم این کتاب نقد شود و اشکالات آن را بنویسند، چون به هر حال زحمت بزرگی کشیده شده است و هر کار بزرگی می‌تواند اشکالات بزرگی داشته باشد. ولی ما هنوز در زبان فارسی چنین کاری در سطح مطلوب انجام نداده‌ایم. امیدوارم دوستان جوان ما که بسیار با استعداد هم هستند و

به تدریس و تحقیق مشغولند به این کار مهم دست بزنند.

به‌عنوان چهره‌های پیشکسوت در زبان و ادبیات فارسی و البته زبان‌های باستانی از چند تن از مفاخر حوزه زبان‌های باستانی ایران که بیشتر به آنها علاقه دارید، یاد بفرمایید.

من هراس دارم که نام‌هایی را بیابم و کسانی از قلم بیافتند؛ من به همه کسانی که در این مسیر کار کرده‌اند مدیون هستم و به آنها علاقه دارم؛ من استادان بسیار خوبی داشتم؛ مرحوم دکتر نوابی و مرحوم دکتر مرتضوی که این درس را در تبریز به ما می‌آموختند، البته استادان دیگری که زبان و ادبیات فارسی را پیش آنها آموخته‌ام را هم فراموش نمی‌کنم... از استادان بعدی من مرحوم دکتر رضایی بودند و البته دکتر مقدم؛ با اینکه گاهی با برخی ایده‌های دکتر مقدم موافق نبودم ولی معتقدم ایشان خدمات زیادی کرده‌اند. مرحوم دکتر احمد فضل‌نی نیز شخصیتی بود که خیلی زود از میان ما رفت و اگر می‌ماند کارهای ارزنده تری انجام می‌داد. همچنین مرحوم دکتر ابوالقاسمی، تا جایی که توانست در زمینه زبان‌های باستانی سعی و تلاش و کار کرد. همچنین خانم دکتر بدرالزمان قریب تلاش‌های فراوانی در این رشته انجام داده‌اند. مرحوم دکتر بهار که مجموعه مطالعات ایشان در زمینه اساطیر بسیار مهم است و معمولاً اولین کتاب‌هایی که من به دانشجویان معرفی می‌کنم از آثار ایشان است، مرحوم دکتر بهرام فره‌وشی هم استاد زبان‌های کهن بودند. امروز هم جناب آقای دکتر محمد تقی راشد محصل، خانم دکتر میرفرخایی، خانم دکتر زرشناس و خانم کتایون مزداپور و خیلی از استادان دیگر فعالیت‌های قابل توجهی در این حوزه دارند که برای آنها احترام فراوان قائم و برای همه این عزیزان آرزوی موفقیت دارم.